

شناسایی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی با روش تحلیل محتوا

(مورد مطالعه: شهر بیرجند)

علیرضا مرادی^۱؛ ثنا نوری مقدم^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

چکیده

امروزه یکی از شایع‌ترین مشکلات بهداشت عمومی در سراسر دنیا «خشونت خانگی» است که در بردارنده‌ی مؤلفه‌های کودک‌آزاری، هم‌سرآزاری و بدرفتاری با سالمند می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت در زمره تحقیقات تحلیلی می‌باشد و روش تحقیق آن کیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته و مراجعه به اسناد و مدارک بوده است. روش نمونه‌گیری نیز روش هدفمند می‌باشد. جامعه هدف پژوهش حاضر شامل نخبگان علمی و عملیاتی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی اعم از هیأت رئیسه، فرماندهان پلیس‌های تخصصی، مدیران کل عملیاتی و اساتید علمی و کلیه همسران خانواده‌هایی می‌باشند که به دلیل خشونت خانوادگی به مراکز مشاوره کلاتری‌های شهر بیرجند در سال ۱۴۰۱ مراجعه نموده‌اند. تعداد مشارکت‌کنندگان شامل ۲۷ نفر از نخبگان علمی و عملیاتی شهر بیرجند و همسران آسیب دیده خشونت خانگی (به دلیل رسیدن به اشباع نظری) می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده و تحلیل‌های صورت‌گرفته حاصل از کدگذاری‌های باز و محوری و گزینشی، عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. با توجه به بررسی‌های صورت

^۱ . استادیار و رئیس گروه علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران.

dr.alirezamoradi57@gmail.com

(نویسنده مسؤل).

^۲ . استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

s.nourimoghadam@ped.usb.ac.ir

گرفته و نتایج حاصل از تحقیق حاضر، لزوم توجه مسئولان ذی‌ربط به این مسأله و آموزش خانواده‌ها و افراد جهت آشنایی با تبعات روانی و اجتماعی رفتارهای خشونت‌آمیز بیش از پیش اهمیت دارد.

واژه‌های کلیدی: اجتماعی؛ اقتصادی؛ فرهنگی؛ بیرجند؛ خشونت خانگی.

مقدمه

خانواده به عنوان عنصر اساسی جامعه شناخته می‌شود. خانواده به طور ایده‌آل به عنوان پناهگاه عشق، مراقبت، محبت و رشد شخصی در نظر گرفته می‌شود، جایی که افراد باید احساس امنیت و محافظت کنند. اما خشونت، سوء استفاده و پرخاشگری در محدوده‌ی خانه به طرز نگران‌کننده‌ای رایج است (لانچیمبا و همکاران^۱، ۲۰۲۳: ۲). یکی از مسائل و آسیب‌های مهم در حوزه‌ی خانواده در ایران، خشونت خانگی است (کاظمی و قاسمی، ۱۴۰۲: ۱۳۷).

خشونت خانگی شامل هر شکلی از رفتار خشونت‌آمیز شامل اعمال تهدید، اجبار و سلب آزادی علیه اعضای خانواده است که منجر به آسیب جسمی، جنسی یا روانی افراد می‌شود. خشونت خانگی به عنوان یک مشکل بهداشت عمومی شناخته شده است که همه‌ی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خشونت خانگی در خانواده رخ می‌دهد و بر والدین و فرزندان تأثیر می‌گذارد. هنگامی که اعمال خشونت‌آمیز در حضور کودکان رخ می‌دهد، صرف نظر از این که آیا آنها به طور مستقیم آسیب فیزیکی را تجربه می‌کنند یا صرفاً شاهد خشونت هستند، عواقب آن می‌تواند به طور عمیق مضر باشد (لانچیمبا و همکاران، ۲۰۲۳: ۲). بدرفتاری با کودکان با شماری از نشانه‌های جسمانی در دوران بزرگسالی مرتبط است. شایع‌ترین اختلالات روانی مرتبط با خشونت خانگی، افسردگی و اختلال استرس پس از سانحه است. خشونت خانگی ارتباط قدرتمندی با رفتارهای مرتبط با خودکشی، اختلالات خواب و خوردن و ناکارآمدی اجتماعی، وخیم شدن علائم روان‌پریشی و سوء مصرف الکل و مواد دارد (پور نقاش تهرانی و قلندرزاده، ۱۳۹۷: ۳۳۸).

آمار ثبت شده‌ی خشونت خانگی شامل همسرآزاری و کودک‌آزاری در سال ۱۴۰۰ حدود ۷۵ هزار مورد بوده است که این میزان معادل ۳۷ درصد کل آمار انواع معاینات در پزشکی قانونی بوده است. همچنین هم‌سرآزاری و کودک‌آزاری، مواردی هستند که زیر عنوان خشونت خانگی قرار می‌گیرند (مهدی‌زاده، ۱۴۰۱). بر اساس یک نظرسنجی ملی، خشونت علیه زنان در ۲۸ استان ایران، ۶۶ درصد گزارش شده است. شیوع خشونت خانگی در قالب خشونت جسمی و روانی به ترتیب

^۱. Lanchimba, et. al

۵۸/۵ در صد و ۸۳ در صد بوده است (بایرامی و وفایی نجار، ۲۰۲۰: ۱۳۴). خشونت خانگی علیه زنان به یک منطفه خاص جغرافیایی و یا سطح معینی از اقتصاد و رفاه بستگی ندارد و می‌توان آن را در همه جوامع و تمامی لایه‌های اجتماعی مشاهده کرد. خشونت خانگی هر چند مسأله‌ای فراگیر است و در تمام جوامع و همه زیرگروه‌های اجتماعی و جمعیتی وجود دارد، اما شیوع آن تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (کاظمی و قاسمی، ۱۴۰۲: ۱۳۹).

تحقیقات نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی، فرهنگ اجتماعی، حمایت اجتماعی پایین، سطح تحصیلات پایین، اعتیاد و فقدان مهارت‌های زندگی می‌تواند منجر به شیوع خشونت خانگی در بین زوجین ایرانی شود (بایرامی و وفایی نجار، ۲۰۲۰: ۱۴۲). شواهد نشان داده‌اند که فقر، اعتیاد، اختلالات روانی زمینه‌ای، بزهکاری، ناباروری قربانی، تفاوت‌های خانوادگی و فرهنگی، ناتوانی در ایجاد روابط عاطفی، سطح تحصیلات پایین، درآمد ماهانه پایین، روابط جنسی پرخطر و نادیده گرفتن قوانین اخلاقی (دستجردی و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۷۶)، مشکلات اقتصادی و سوء مصرف مواد/الکل (رهنوردی و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۶۳۷)، سابقه بیماری روانی در زن و شوهر، سن زن و شوهر، وجود فرزند معلول در خانواده، سطح تحصیلات زن، تعداد دفعات ازدواج و شغل شوهر (ترکاشوند و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹۵)، از جمله عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی هستند.

نامیدی اقتصادی مردان یا ناتوانی آنها در برآورده کردن انتظارات اجتماعی مبنی بر «سرپرست بودن» نیز عامل مهمی است که در ارتکاب خشونت فیزیکی و جنسی در داخل خانه نقش دارد. نامیدی ناشی از مشکلات اقتصادی، در کنار هم با استفاده مکرر از مواد مخدر و الکل، احتمال رفتار خشونت آمیز را تشدید می‌کند. شناسایی عوامل تعیین‌کننده، گامی حیاتی به سوی درک ماهیت پیچیده خشونت خانگی است. پیامدهای خشونت خانگی فراتر از قربانیان است و بر رفاه کلی و ساختار اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارد. درک تأثیر متقابل بین این عوامل و خشونت خانگی برای توسعه مداخلات هدفمند و سیستم‌های حمایتی برای کاهش خشونت و پیامدهای آن ضروری است. بنابراین، بررسی عوامل مختلفی که به خشونت خانگی کمک می‌کنند، به منظور اطلاع از راهبردهای پیشگیری و مداخله مؤثر، حیاتی است (لانجیمبا و همکاران، ۲۰۲۳: ۴). به نظر می‌رسد خشونت، موضوعی حیاتی است که برای ارائه راه حل‌های مؤثر و نوین متناسب با نیازها و بستر جوامع، نیازمند تحقیقات بیشتر است (دستجردی و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۷۲). یافته‌های تحقیق حاضر پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران و پژوهشگران درگیر در رسیدگی به خشونت خانگی دارد. با شناسایی عواملی که بر خشونت خانگی مؤثرند، می‌توان

مداخلات هدفمند و سیستم‌های حمایتی را برای پاسخگویی مؤثر به چالش‌های منحصر به فرد ناشی از خشونت خانگی ایجاد کرد. همچنین از آنجایی که وضعیت خشونت خانگی در استان خراسان جنوبی و به ویژه شهر بیرجند که مرکز استان می‌باشد، مناسب نبوده است و آمارهای خشونت خانگی در این استان نسبت به سال قبل افزایشی بوده است (عرب نژاد، ۱۳۹۷) و به گفته مدیرکل بهزیستی استان، آمار کل تماس‌ها با اورژانس ۱۲۳ در سال گذشته ۲ هزار و ۱۲۶ مورد بوده است و امسال در ۸ ماهه اول یک هزار و ۹۷۰ مورد تماس، فقط مربوط به خشونت‌های خانگی بوده است که شامل کودک آزاری و همسرآزاری، زنان و دختران آسیب دیده و اختلافات خانوادگی است و بیشترین تماس‌ها را در برداشته است. همچنین آمارهای مراجعین خشونت خانگی به مراکز مشاوره در شهر بیرجند حاکی از آن است که بدرفتاری جسمی و عاطفی ۵۴۱ مورد، مشکلات ناشی از دخالت خانواده‌ها ۱۹۸ مورد، روابط سرد و خشک ۱۵۱ مورد و ضعف در مهارت‌های زناشوی ۲۳ مورد بوده است (بهزیستی و معاونت فرهنگی اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی، ۱۴۰۱)، لذا با عنایت به موارد ذکر شده و نتایج تحقیقات پیشین در خصوص تأثیر عوامل متعدد بر خشونت خانگی، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی در شهر بیرجند کدامند؟

پیشینه تحقیق

تعریف خشونت خانگی

در منابع مختلف، تعاریف گوناگونی از خشونت خانگی ارائه شده است. گلز و اشتراوس^۱ دو پژوهشگری که سال‌ها در زمینه خشونت خانوادگی فعالیت کرده‌اند، معتقدند خشونت خانگی رفتاری با قصد آشکار (رفتاری با قصد پوشیده اما قابل درک) برای وارد کردن آسیب بدنی به فرد دیگر است (گلز و اشتراوس، ۱۹۷۹، به نقل از عبدالله‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۸). انجمن روان‌شناسی آمریکا (۱۹۹۶)، در تعریف خشونت خانگی بیان می‌کند که خشونت در بین همسران، یک الگوی سوءاستفاده رفتاری است که شامل سطح گسترده‌ای از بدرفتاری‌های روانی، فیزیکی و جنسی است (تارس^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

یکی از بهترین تعاریف خشونت خانگی را شوکر و آن‌کاتلی^۳ (۱۹۹۶) و همچنین بارنت، میلر و پرین^۴ (۱۹۹۷) ارائه داده‌اند. آن‌ها به‌طور کلی خشونت خانگی را الگویی از رفتارهای

¹ Ghlaz & Shtravs

² Torres, et. al

³ Shuker & Ann Catley

⁴ Barnett, Miller & Perrin

تهاجمی و اجباری شامل حملات فیزیکی، جنسی و روانی و همچنین فشار و تهدید اقتصادی که افراد علیه جفت (شریک) صمیمی شان بکار می‌برند، تعریف کرده‌اند. خشونت خانوادگی در تمام سنین، جنسیت‌ها، قومیت‌ها، زمینه‌های آموزشی و گروه‌های اقتصادی اجتماعی رخ می‌دهد و تاکنون مطالعات قابل توجهی در زمینه شناسایی و فهم انواع مختلف بدرفتاری با اعضای خانواده و افراد صمیمی در کشورهای مختلف صورت گرفته است و یافته‌های متنوعی ارائه داده‌اند (گلس^۱، ۱۹۹۵). تعریفی که در این تحقیق از خشونت خانگی مورد نظر است، به این شرح است: خشونت خانگی، الگویی از رفتار یک عضو خانواده علیه زن متأهل که باعث آزار و آسیب جسمی و یا روحی وی گردد.

فیض‌اللهی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: شهر ایلام)»، به این نتیجه دست یافت که واکنش‌های زنان عمدتاً انفعالی بوده است و عادی‌انگاری نقش قربانی منفعل برای زنان، پیامد آن است. از برآیند مقوله‌ها، مقوله هسته «خشونت خانگی علیه زنان محصول هم‌آیندی در ماندگی تجربه شده زنان و تصورات مردسالارانه» حاصل شد که حاصل مدیریت خانواده در بستر حفظ کارکردهای سنت مردسالارانه در کنار انتقال ساختاری خشونت در سازوکاری فرهنگی و مبتنی بر جامعه‌پذیری جنسیتی است.

مرادی و چارداولی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ابعاد طرحواره‌های جنسی در زنان خانه‌دار» به این نتیجه دست یافتند که مؤلفه‌های طرحواره‌های جنسی با گرایش به خشونت خانگی، رابطه معکوس معنی‌داری داشته است و در طراحی پروتکل‌های مداخله‌ای و درمانی جهت کاهش خشونت خانگی به این آموزش و افزایش خود آگاهی در مورد طرحواره‌های جنسی توجه لازم مبذول گردد.

یاری نسب و امینی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی بر خشونت خانگی در زنان» به این نتیجه دست یافتند که برخورداری زنان از مهارت‌های ارتباطی، می‌تواند در کاهش خشونت همسران علیه آنان مؤثر باشد.

رحیمی و شاکری، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مرتبط با نزاع- درگیری فردی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر سنندج)» در سال ۱۳۹۷ انجام داده‌اند، نتایج پژوهش حاکی از متفاوت بودن میانگین متغیر میزان نزاع و درگیری فردی بر حسب متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال، نوع اشتغال و پایگاه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

^۱. Ghlaas

زارع زاده و همکاران، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با نزاع - درگیری فردی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز)» در سال ۱۳۹۶ انجام داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از متفاوت بودن میانگین متغیر میزان نزاع و درگیری فردی بر حسب متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال، نوع اشتغال و پایگاه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

باندارا و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «خشونت خانگی و خود مسمومیت در سریلانکا» به این نتیجه دست یافتند که مداخلات چند بخشی برای رسیدگی به DV از جمله شناسایی پیشرفته در تنظیمات مراقبت‌های بهداشتی، استراتژی‌های مبتنی بر جامعه، و ادغام پشتیبانی DV و خدمات روان‌شناختی ممکن است رفتار خودکشی را در سریلانکا کاهش دهد.

جانسون و استیلیانو^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «پاسخ‌های هماهنگ جامعه به خشونت خانگی: بررسی سیستماتیک ادبیات» به این نتیجه دست یافتند که این تغییرات، نتیجه‌گیری گسترده‌تر در مورد اثربخشی مداخلات CCR را برای محققان دشوار می‌کند. تحقیقات آتی باید شامل شناسایی پیامدهای اصلی باشد که می‌تواند در مطالعات مورد استفاده قرار گیرد تا امکان انجام مطالعات مقایسه و متاآنالیز را فراهم کند. همچنین نیاز به مطالعاتی وجود دارد که بر شناسایی مؤلفه‌های مداخلات CCR برای ایجاد نتایج مثبت حیاتی‌تر هستند.

هاگو و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مرتبط با خشونت خانگی در رو ستاهای بنگلادش» به این نتیجه دست یافتند که مداخلات ارتباطی تغییر رفتار ممکن است به تأثیر مثبت بر قدرت تصمیم‌گیری کمک کند، اما باید رویکردی جامع برای کاهش ناامنی غذایی اتخاذ شود، که برای آن مکانیسم اساسی ناامنی غذایی در بنگلادش باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

هاریس^۴ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «خشونت و مسئولیت» به این نتیجه دست یافت که همه ما مسؤول آسیب‌هایی هستیم که می‌توان از آن پیشگیری کرد و به بررسی تأثیر این نتیجه‌گیری بر اخلاق می‌پردازیم که این باور بنیادی را ایجاد می‌کند که اگر احتمالاً می‌توانیم از آن جلوگیری کنیم، نباید به دیگران آسیب برساند. یک نظریه مسئولیت تدوین و دفاع می‌شود که عواقب آن را در نحوه زندگی ما و همچنین برای تعدادی از مشکلات در فلسفه اخلاقی، سیاسی و اجتماعی معاصر و در فقه به وجود می‌آورد. به ویژه، نویسنده به این دیدگاه حمله می‌کند که بین

¹ Bandara, et. al

² Johnson & Stylianou

³ Haque, et. al

⁴ Harris

کشتن و اجازه دادن به مرگ یک تفاوت اخلاقی وجود دارد و برداشتی بنیادی از خشونت را پیشنهاد می‌کند. از دیگر موضوعات بحث برانگیز در این کتاب بی طرفی، اخلاق پیوند عضو و تخصیص منابع کمیاب است.

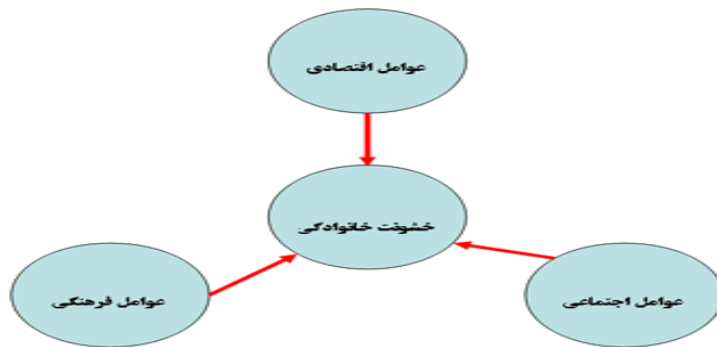
پترسون و اک^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «خشونت سازمان‌یافته، ۱۹۸۹-۱۹۹۷» به این نتیجه دست یافتند که ۱۵٪ از کل تلفات، ناشی از خشونت‌های سازمان‌یافته است. در مورد بازیگران مشغول خشونت یک‌طرفه، تعداد آنها در طول سال ۲۰۱۷ نیز افزایش یافته است، اگرچه تعداد تلفات در همان سال ۲۰۱۶ باقی مانده است.

در بحث تحقیقات انجام شده، اشاره به چند نکته ضرورت دارد: نخست اینکه پژوهش‌های فوق، بیشتر به مباحث جامعه‌شناختی خشونت خانگی، طرحواره مبتنی بر خشونت خانگی، مهارت‌های ارتباطی در خشونت خانگی و... پرداخته‌اند، حال اینکه پژوهش حاضر به عوامل مؤثر بر خشونت خانگی می‌پردازد. اکثر پژوهش‌های فوق، در خصوص جوامع آماری مختلف انجام شده است، اما این پژوهش بنا دارد به خانواده‌های آسیب‌دیده از خشونت خانگی بپردازد. سوم اینکه اکثر پژوهش‌ها در قلمرو مکانی مختلف داخلی و خارجی صورت گرفته است در حالی که این پژوهش در صدد مطالعه بر روی خانواده‌های آسیب‌دیده خشونت خانگی در استان خراسان جنوبی اجرا شده است.

مدل مفهومی

با توجه به مبانی نظری و یافته‌های مطالعات پیشین، مدل مفهومی تحقیق حاضر، یک نمای کلی از عواملی را ارائه می‌دهد که پیوسته با خشونت خانگی مرتبط بوده‌اند (نمودار شماره ۱). با بررسی و تجزیه و تحلیل این عوامل تعیین‌کننده، محققان پیشرفت قابل توجهی در کشف علل زمینه‌ای و عوامل خطر مرتبط با خشونت خانگی داشته‌اند. خشونت خانگی معمولاً از عوامل چندگانه و پیچیده نشأت می‌گیرد که از جمله عمده‌ترین این عوامل می‌توان به عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره نمود. مدل مفهومی زیر، نشان‌دهنده تأثیر سه عامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد.

¹. Petterson & Eck



نمودار شماره یک- مدل مفهومی پژوهش

عوامل فرهنگی

شکی نیست که نوع نگاه به زن در جوامع مختلف، متفاوت است. به طور کلی، برخورد با زنان در جوامع مدرن نسبت به جوامع سنتی تفاوت فاحشی دارد؛ یعنی در جوامع مدرن، تلاش زیادی برای دستیابی زنان به حقوق‌شان صورت گرفته است و نوع نگاه، به تدریج انسانی‌تر گشته است؛ اما در جوامع سنتی، طرز دید مرد سالارانه و نوع رویکرد استوار بر استبداد، هنوز به قوت خود باقی است. این طرز تفکر به رسم و رسوم شکل بخشیده است که به زنان به عنوان جنس دوم و در مواردی به عنوان دارایی مرد نگاه می‌کند. معمولاً جوامع، صفاتی چون خشن بودن، قوی بودن، سنگدل بودن، مستقل بودن و توانایی خطر کردن را جزء ویژگی‌های مرد و در مقابل، مطیع بودن، ساکت بودن، خجالتی بودن و وابسته بودن را از ویژگی‌های قابل پسند زن تلقی می‌کنند. علاوه بر این اهمیت دادن بیشتر به فرزند پسر، بالابردن اهمیت مردان، زندگی مشترک دو یا چندین خانواده به علاوه سطح بالای بی‌سوادی، در شدت بخشیدن خشونت علیه زنان نقش داشته است (منیر و همکاران، ۱۳۸۸).

عوامل اجتماعی

علل بروز خشونت در خانواده علیه زنان در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است. عوامل اجتماعی خشونت همگی به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مربوط می‌شود. دلایل عمده خشونت از بعد اجتماعی را می‌توان در عواملی نظیر وجود زمینه‌های فرهنگ خشونت در جامعه، بحران معنویت، فقر، نابرابری اجتماعی، بیکاری و اعتیاد شوهر وغیره نام برد. عوامل ساختاری- اجتماعی مانند سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی-

اجتماعی، تحصیلات و نژاد از دیگر عوامل مؤثر در خشونت خانگی هستند. بنابراین خشونت خانگی مفهومی چند بعدی است که بایستی از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد (شوکتیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانگی شامل موقعیت اقتصادی، فرهنگ و ارزش ها و حمایت اجتماعی خانواده می باشد. حمایت اجتماعی و خانوادگی در کاهش بروز خشونت خانگی نقش دارد (بایرامی و وفايي نجار، ۲۰۲۰: ۱۳۶).

عوامل اقتصادی

اقتصاد ناکارآمد یک جامعه نتایجی چون فقر، فاصله طبقاتی زیاد، عدم امکان اشتغال زنان و حتی مردان (که همواره در اولویت کاری قرار دارند)، شرایط کاری نابرابر و ... خواهد داشت. بیکاری مردان به عنوان سرپرستان مالی خانواده و فشارهای عصبی ناشی از عدم پاسخگویی به مایحتاج زندگی باعث می شود که مرد برای تخلیه این فشار و یا برای تثبیت موقعیت خود به عنوان رئیس خانواده دست به اعمال خشونت علیه اعضای خانه و مخصوصاً زن بزند. از سوی دیگر نابسامانی های اقتصادی، عامل آسیب های دیگر نظیر سرقت، تکدی گری، فحشا، خودفروشی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر است. چندان که نفس این اعمال خشونت زاست و حتی می تواند عامل خشونت خانگی غیرمستقیم باشد؛ به این معنی که زنی را که در خانه پدر گرفتار چنین مصائبی نبوده است، دچار افسردگی در اجتماع می کند که خود نوعی خشونت روانی است. وقتی زن شاغل باشد و مرد بیکار، از آنجا که مرد خود را در موقعیت شغلی و اجتماعی پایین تری نسبت به زن می بیند، برای سرپوش گذاشتن بر احساس حقارت خود، دست به پرخاش و ضرب و شتم می زند (برخوری مهنی، ۱۳۸۹: ۸۷).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع تحقیقات کیفی از نوع تحلیل محتوا می باشد. جامعه هدف پژوهش حاضر، شامل نخبگان علمی و عملیاتی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی اعم از هیأت رئیسه، فرماندهان پلیس های تخصصی، مدیران کل عملیاتی و اساتید علمی و کلیه همسران خانواده هایی که به دلیل خشونت خانوادگی به مراکز مشاوره کلاتری های شهر بیرجند در سال ۱۴۰۱ مراجعه نموده اند، می باشد.

ملاک ورود نخبگان، تجربه خدمتی در رده های مربوطه استان، در دسترس بودن و آشنا به حوزه استحفاظی استان خراسان جنوبی است. ملاک خروج، عدم تمایل به همکاری و نداشتن سابقه بیش از دو سال در حوزه استحفاظی بوده است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، هدفمند است. تعداد ۲۷ نفر از نخبگان علمی و عملیاتی و افراد آسیب دیده به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. ابزار گردآوری مصاحبه نیمه ساختاریافته و مراجعه به اسناد و مدارک می‌باشد. در این تحقیق، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار مکس کیودا^۱ و به صورت کدگذاری انجام گرفته است. بر این اساس؛ این پژوهش با یک سؤال و پرسش واضح و مشخص شروع شده است و سپس با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته، داده‌ها جمع‌آوری شد و کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها یا متن مصاحبه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

از معیارهای دقت در تحلیل محتوا می‌توان به قابلیت تأییدپذیری (تصدیق) و انتقال‌پذیری نام برد. قابلیت تأییدپذیری نشان دهنده ارتباط داده‌ها با منابع و ظهور یافته‌ها و تفاسیر از این منابع است. قابلیت تأییدپذیری را می‌توان از طریق رایة روند پژوهش به طریقی که قابل پیگیری باشد، تضمین کرد (رمضانخانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱). در پژوهش حاضر برای ایجاد قابلیت تأییدپذیری از بازنگری ناظران استفاده شد. به صورتی که مصاحبه‌ها، کدها و طبقات استخراج شده توسط چند نفر از استادان با تجربه در زمینه تحقیق کیفی مورد بررسی قرار گرفت. قابلیت انتقال‌پذیری به پارامترهای نظری پژوهش و قابلیت کاربرد به مجموعه‌ای از یافته‌ها در موقعیتی دیگر اشاره دارد. دیدگاه و تجربیات گوناگون مشارکت‌کنندگان مختلف در مورد یک پدیده، باعث افزایش قابلیت انتقال آن می‌شود (همان، ۱۴۰۰: ۷۱). در پژوهش حاضر برای افزایش قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌ها، پژوهشگر، توصیف روشی از نحوه انتخاب و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و جمع‌آوری داده‌ها ارائه نمود، تا خواننده بتواند در مورد قابلیت کاربرد یافته‌ها در موقعیت‌های دیگر قضاوت نماید. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات مشابه در شرایط و جوامع دیگر مقایسه شد.

جدول شماره یک-اطلاعات جمعیت شناختی نخبگان

متغیر	سن خدمتی			سن				تحصیلات		جنسیت		
	اول ۵۵-۵۰	دوم ۵۵-۵۰	سوم ۵۵-۵۰	۳۰-۳۵ سال	۳۵-۴۰ سال	۴۰-۴۵ سال	۴۵-۵۰ سال	۵۰-۵۵ سال	کارشناسی ارشد	دیگری	مرد	زن
محدوده												
تعداد	۳	۲	۹	۴	۲	۳	۵	۵	۴	۱۰	۵	۹

¹ Maxqda

جمع	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
-----	----	----	----	----

از بین ۱۴ نفر از نخبگان و مدیران ارشد که مورد مصاحبه قرار گرفتند، سطح تحصیلات کارشناسی ارشد با ۲۹ درصد، کمترین و سطح تحصیلات دکتری با ۷۱ درصد، بیشترین فراوانی را داشتند. سن خدمتی افراد نمونه ب این شرح است که دهه سوم خدمت با ۶۴ درصد، بیشترین و ده، دوم خدمت با ۱۴ درصد، کمترین فراوانی را دارا بودند. بیشترین فراوانی سنی ۳۶ درصد بود که بین دامنه سنی ۵۰-۴۶ سال و کمترین فراوانی ۱۴ درصد و در محدوده سنی ۴۰-۳۶ سال قرار داشتند. جنسیت بیشتر مصاحبه شوندهگان با ۶۴ درصد، زن و کمترین با ۳۶ درصد مرد بودند.

جدول شماره دو- اطلاعات جمعیت شناختی همسران آسیب دیده خشونت خانگی

متغیر	سن		سال ازدواج				تحصیلات			تعداد فرزند			
	۳۰-۲۰	۴۰-۳۱	۵۰-۴۱	زیر ۵ سال	۱-۱۰ سال	۵-۱۱ سال	۱۲-۲۰ سال	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر	بدون فرزند	۱-۲ فرزند	۳-۵ فرزند
محدوده	۳۰-۲۰	۴۰-۳۱	۵۰-۴۱	زیر ۵ سال	۱-۱۰ سال	۵-۱۱ سال	۱۲-۲۰ سال	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر	بدون فرزند	۱-۲ فرزند	۳-۵ فرزند
تعداد	۶	۵	۲	۵	۱	۳	۴	۵	۵	۲	۲	۸	۴
جمع	۱۳		۱۳				۱۳			۱۴			

از بین ۱۳ نفر از همسران آسیب دیده خشونت خانگی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، سطح تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، هرکدام با ۳۸ درصد، بیشترین و سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر با ۲۳ درصد، کمترین فراوانی را داشتند.

بیشترین فراوانی سن مصاحبه شوندهگان با ۴۶ درصد سن، بین ۲۰-۳۰ سال و کمترین فراوانی سن مصاحبه شوندهگان با ۱۵ درصد در محدوده سنی ۴۱-۵۰ سال قرار داشتند. تعداد سالهایی که از ازدواج افراد می گذشت، در سال ازدواج بیشتر مصاحبه شوندهگان با ۳۸ درصد در محدوده زیر ۵ سال و کمترین سال ازدواج مصاحبه شوندهگان با ۸ درصد به محدوده ۱۰-۶ سال

ازدواج مربوط بود. همچنین، ۶۲ در صد شرکت کنندگان تعداد ۲-۱ فرزند و ۱۵ در صد خانواده‌ها بدون فرزند بودند.

یافته‌های تحقیق

برای پاسخ به این سؤال که عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی کدامند؟ از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده نمودیم. نتایج در جدول شماره ۳ و شماره ۴ گزارش شده است.

جدول شماره سه- کدگذاری متن مصاحبه‌ها

کدگذاری باز	متن پاسخ	کدپاسخگو
اقتصادی	یکی از مهم‌ترین ابعاد افزایش خشونت خانوادگی چه بر علیه زنان و چه بر علیه کودکان معمولاً مسائل اقتصادی و درگیری خانواده‌ها در این قضیه می‌باشد. مصداق بارز آن اقدام خانواده‌ها به کار اجباری فرزندان و ترک تحصیل آنها می‌باشد که گستره این مشکلات اقتصادی و درگیری زوجین در این باب، خشونت را دو چندان می‌کند، از روی، فرهنگ نامتعارف و عدم تساوی حقوق زنان و موانع قانونی در این خصوص، مشکل آفرین می‌باشد.	الف ۱
اقتصادی-فرهنگی	مسلماً مشکلات اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه باعث ایجاد مشکلات و عدم کامیابی و شکست در زندگی می‌شود که باعث ایجاد خشونت‌های خانوادگی می‌گردد.	الف ۲
اقتصادی	عوامل زیادی موجب افزایش خشونت خانوادگی می‌شود که یکی از آنها بعد اقتصادی است. از طرفی عدم توانایی افراد در پرداخت هزینه‌ها باعث ایجاد درگیری فیزیکی و خشونت می‌شود.	الف ۳
فرهنگی-اقتصادی اجتماعی	فقر فرهنگی و فقر اقتصادی باعث ایجاد تنش در خانواده و در نهایت ایجاد خشونت خواهد شد. عوامل اجتماعی زیادی باعث ایجاد خشونت می‌شود مثل عدم برقراری روابط صحیح اجتماعی	الف ۴
اقتصادی-اجتماعی فرهنگی	یکی از عوامل مهم بعد اقتصادی می‌باشد که بیشترین و پررنگترین مسأله است که هم بر روی رفتار فرهنگی و هم بعد اجتماعی تأثیر می‌گذارد. وضعیت اقتصادی مناسب، سبب مناعت طبع و کنترل بعضی رفتارهاست. بعد فرهنگی یک جامعه هم نیز در افزایش خشونت خیلی مؤثر است. فرزندان که اعمال خشونت آمیز را شاهد هستند، به نسل بعدی منتقل می‌نمایند.	الف ۵

فرهنگی-اجتماعی اقتصادی	<p>بعد فرهنگی، در شهر بیرجند به دلیل فضای بسته و وصلت‌های درون فامیلی سبب شده است که کمتر فرهنگ‌های مکان‌های دیگر را درون خود جا بدهد و از قدیم فرهنگ مردسالاری در بیرجند حاکم بوده است و هست. همین مسأله سبب می‌گردد که مرد هرگز فکر نکند زن یک انسان همانند خود اوست. در فرهنگ بیرجند، زن مانند اموال و املاک، جزء دارایی فرد محسوب می‌شود. بعد اجتماعی و اقتصادی در مراحل بعدی قرار می‌گیرد. بیشتر جوامعی که فرهنگ درست و بیش درستی در مورد مرد و زن دارند، مشکلات اقتصادی و اجتماعی، کمتر در برخورد و تعارض‌ها قرار می‌گیرد. در بیشتر دانش‌آموزان دختر مشاهده می‌گردد که مورد تعرض فامیل قرار گرفته‌اند و چون فرهنگ‌شان اجازه نمی‌دهد که دفاع از خود نمایند، مهر سکوت بر لبان‌شان است. من با اکثر دانش‌آموزان که صحبت می‌کردم از هر ۲۰ نفر یک دختر معترف به این مشکل بود.</p>	الف ۶
اقتصادی-اجتماعی فرهنگی	<p>به نظر بنده، سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مهم و اثرگذار در خشونت خانگی هستند</p>	الف ۷
اقتصادی-فرهنگی	<p>اقتصادی و فرهنگی و مردسالاری سه بعد مهم می‌باشد .</p>	الف ۸
فرهنگی-اقتصادی	<p>به نظر بنده، ابعاد مؤثر بر خشونت خانگی عوامل زیادی می‌باشد که می‌توان به عنوان نمونه به ابعاد فرهنگی و اقتصادی اشاره نمود.</p>	الف ۹
فرهنگی-اجتماعی	<p>با توجه به عملیات روانی، فرهنگی و اجتماعی دشمن و تغییر باورهای دینی و اعتقادی مردم به خصوص، در نگاه کانون خانواده از عوامل مؤثر در خشونت خانگی می‌باشد.</p>	الف ۱۰
اقتصادی-اجتماعی فرهنگی	<p>ابعاد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، مهم‌ترین ابعاد در زمینه خشونت خانگی می‌باشد.</p>	الف ۱۱
اجتماعی-اقتصادی	<p>مهم‌ترین ابعاد که بیشترین تأثیر را در خشونت خانگی دارند، به نظر می‌رسد یکی بعد اجتماعی می‌باشد و دومی بعد اقتصادی می‌باشد.</p>	الف ۱۲
اجتماعی	<p>آسیب‌های اجتماعی بر خشونت خانه و خانواده تأثیرگذار است</p>	الف ۱۳
اقتصادی-فرهنگی	<p>مهم‌ترین ابعاد در تأثیرگذاری بر خشونت خانگی عبارتند از ابعاد اقتصادی و فرهنگی</p>	الف ۱۴

اقتصادی-اجتماع فرهنگی	عوامل زیادی در خشونت خانگی مؤثر هستند که مهم‌ترین ابعاد آن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.	ب ۱
اقتصادی	به نظر بنده مسائل اقتصادی که تأثیر زیادی در معیشت و امور زندگی افراد دارند مهم‌ترین بعد و مؤثرترین بعد در خشونت خانگی می‌باشند و لذا اگر مسائل اقتصادی حل شوند، تا حد قابل قبولی خشونت‌های داخل خانه بین اعضای خانواده کاهش پیدا می‌نماید.	ب ۲
فرهنگی-اقتصادی	فرهنگ پائین در بعضی از خانواده‌ها علت مشکلات خانوادگی می‌باشد و از طرفی فقر اقتصادی و بی‌پولی نیز در این زمینه نقش پررنگ و قابل قبولی دارد.	ب ۳
فرهنگی	بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی مردان نسبت به زنان . وقتی تعهدی در میان باشد، قطعاً مردها جهت متعهد بودن خود به آن فکر می‌کنند و کمتر دچار خشونت می‌شوند.	ب ۴
فرهنگی-اقتصادی	بی‌فرهنگی اگر در خانه و خانواده حاکم شود، مشکلات چند برابر خواهد شد و آسیب‌های ناشی از آن دامن اعضای خانواده را خواهد گرفت. از طرفی وضعیت اقتصادی نامناسب خانواده باعث مشکلات و پرخاشگری در درون خانواده خواهد شد.	ب ۵
اقتصادی-فرهنگی	وضع اقتصادی نامناسب افراد باعث ایجاد خشونت شده است و عدم پرداخت هزینه‌ها و ناسازگاری را به همراه خواهد داشت. ضعف فرهنگی نیز باعث ایجاد ناملایمات و عدم تعامل اجتماعی و خشونت خواهد بود.	ب ۶
اجتماعی-اقتصادی	وضعیت بد اجتماعی و اقتصادی باعث ایجاد ضعف در زندگی زناشویی و عدم مهارت ارتباطی می‌شود که شایسته است نسبت به درمان آن اقدام شود.	ب ۷
اقتصادی	به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی نقش پررنگی را در خشونت خانگی داشته باشند.	ب ۸
اقتصادی-فرهنگی	ابعاد اقتصادی و فرهنگی نقش چشم‌گیری در گرایش خانواده‌ها به خشونت خانگی دارند به دلیل اینکه اقتصاد و مسائل مالی، پایه و اساس زندگی می‌باشد، اما مسائل فرهنگی و باورهای شناختی که از فرهنگ شهری، روستائی سرچشمه می‌گیرد نیز نقش اثرگذاری دارد.	ب ۹
اقتصادی-اجتماعی	شاید مسائل اقتصادی، مهم‌ترین مسأله زندگی باشند و اثر زیادی در آرامش یا عدم آرامش افراد در خانه داشته باشند، اما از قدرت مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی نیز نباید غافل شد که در خشونت خانگی خیلی خیلی اثرگذار می‌باشند.	ب ۱۰
فرهنگی-اجتماعی	ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی	ب ۱۱

اقتصادی		
اقتصادی	اگر ریشه‌ای به قضایا نگاه کنیم مسائل مالی و درآمد خانواده‌ها در ثبات زندگی‌ها نقش اساسی دارد و لذا می‌توانیم بگوییم که مهم‌ترین بعد در خشونت خانگی، بعد اقتصادی می‌باشد.	ب۱۲
اقتصادی-اجتماعی	بیشتر خانوارها از مشکلات اقتصادی رنج می‌برند و این مسائل در عدم آرامش آنان نقش به‌سزائی دارد که منجر به خشونت و دعوای خانوادگی می‌گردد. از طرف دیگر مشکلات اجتماعی که وجود دارد از عوامل اثرگذار مهم دیگر در این حوزه می‌باشد.	ب۱۳

جدول شماره چهار- ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و راهکارها

عنوان	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	راهکارها
خشونت خانگی	اقتصادی	درآمد مردان	درآمد مردان یکی از عوامل اقتصادی مهم و اثرگذار در خشونت خانگی می‌باشد. به این صورت که درآمد کم مردان باعث فشارهای اقتصادی در زندگی شده است و نهایتاً منجر به ناسازگاری زوجین شده است. در اثر این مطلب و به دلیل عدم تسلط مردان به زندگی، خشونت خانگی در محیط خانه به همراه خواهد داشت.	-حمایت بیشتر از مردان شاغل با افزایش حقوق آنان در شرایط تورم‌زای کشور. -تقویت کمک‌های خیرانه مساجد و مراکز خیریه برای خانواده‌هایی که مردان درآمد مکفی ندارند.
		درآمد زنان	در بعضی از خانوارها، به دلیل عدم توانائی جسمانی، روانی و عدم تمایل مردان، زنان به سرکار می‌روند و نان‌آور خانه می‌شوند. در صورتی که بعد مدتی ممکن است زن‌ها خسته می‌شوند و توانائی سرکار رفتن نداشته باشند یا درآمدشان برای اداره زندگی ناکافی باشد، به‌خصوص در خانواده‌هایی که مرد معتاد دارند، درگیری، دعوا، نزاع و خشونت خانگی بالا خواهد رفت.	-ایجاد تعاونی‌های خاص برای حمایت از شغل زنان. -ارائه آموزش‌های لازم برای خانه‌داری، همسرداری و تربیت فرزند زنان شاغل.
		عدم اشتغال زنان	بعضی از مردان به دلیل عدم توانائی در اداره زندگی نیاز به کمک خرج دارند که زنان، در این خصوص همکاری نمی‌کنند و توان کارکردن ندارند و این	-حمایت، تشویق و تقویت مشاغل خانگی زنان.

<p>سب‌رگزاری کارگاه‌های مهارت محور ویژه زنان خانه‌دار برای تولید محصولات محلی و سنتی و حمایت از آنان.</p>	<p>مسائل، مشکلات و درگیری به همراه خواهد داشت و در نهایت خشونت خانگی را افزایش خواهد داد.</p>	<p>عدم اشتغال زنان</p>		
<p>-آموزش تعالیم و قوانین اسلامی در خصوص اسراف و تبذیر. -پیروی از الگوی مصرف اسلامی در خانواده. -ارائه آموزش‌های صرفه‌جویی و قناعت. -ارائه پیامدهای اسراف و تبذیر در خانواده و استفاده از الگوهای مناسب جهانی در حوزه خانه و خانواده.</p>	<p>اسراف و تبذیر در زندگی مشترک از طرف یکی از زوجین و با مخالفت زوج دیگر از علت‌های خشونت و درگیری در خانواده است که در صورت عدم رعایت یکی از زوجین در امر اسراف و تبذیر ممکن است به مذاق دیگری خوش نیاید و درگیری و ناسازگاری زوجین بر اساس این عامل شروع شود و ادامه پیدا کند، کما اینکه مواردی بوده است که خشونت‌ها به علت همین امر بوده است.</p>	<p>اسراف و تبذیر</p>	<p>اقتصادی</p>	
<p>-کمک به اقشار کم درآمد و مستأجر در جهت خانه‌دار شدن آنان. -تدارک منازل سازمانی به صرفه با اجاره بها مناسب به اقشار کم درآمد و بی بهره از منزل شخصی. -افزایش واحدهای مسکونی اجاره به شرط تملیک. -تقویت زیر ساخت‌ها و ابادانی محله‌های دور به مرکز شهر و تشریق خانواده‌ها جهت سکونت در آن.</p>	<p>از آنجائی که تورم در سال‌های اخیر رشد بالائی داشته است، خانواده‌هایی که منزل مسکونی برای خود نداشتند و مستأجر بوده‌اند، از این ناحیه ضربه خوردند و فشارهای مضاعفی را تحمل نموده‌اند. خانواده‌هایی که فاقد منزل مسکونی در این شهر بوده‌اند، به علت افزایش اجاره بها، توان اجاره را نداشتند و در صورت فشارهای وارده با زوج خود دچار مشکلات شدند و به این صورت، درگیری‌ها ادامه پیدا می‌کند و در نهایت به خشونت منتهی می‌شود.</p>	<p>مالکیت منزل مسکونی</p>		<p>خشونت خانگی</p>
<p>-آموزش موارد زیر به خانواده‌ها با استفاده از شبکه استانی و رسانه‌های دیداری، شنیداری و.... -قناعت، خویشتن‌داری، پرداخت حقوق مالی واجب و مستحب مثل خمس و انفاق، حفظ مال شوهر، پرهیز از اسراف، استفاده از طبیعت، حلال‌خواری، توجه به ارزشمند بودن خانه‌داری با ابعاد اقتصادی آن، مانند تقدیر معیشت، ایجاد ارزش‌های افزوده در مواد خام.</p>	<p>در سالیان اخیر، میزان مصرف‌گرایی و اسراف و تجملات در جامعه رشد بی رویه داشته است و حاکم شدن این فرهنگ، حیات سالم بسیاری از خانواده‌ها را در معرض خطر قرار داده است. انسان‌ها زیبایی را دوست دارند، به زیبایی خود و محیط زندگی و کار اهمیت می‌دهند، اما این توجه زمانی که از حد تعادل خارج شده است و وضعیتی وسواس و بیمارگونه پیدا کرده است و به عاملی خطر ساز برای آرامش روحی و اجتماعی تبدیل می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد مصرف‌گرایی یکی از زوجین یا هر دوی</p>	<p>مصرف گرایی</p>		

	<p>آنها عاملی برای خشونت خانگی و نزاع بین زوجین می باشد.</p>			
<p>-ایجاد اشتغال پایدار برای مردان. -افزایش حمایت‌ها از بیکاران. -حمایت از کارآفرینان. -توسعه جهانگردی و گردشگری در شهرها و حتی روستاها به وسیله مردم محلی -حمایت دولت از کارآفرینی و کار آفرینان و سرمایه‌گذاران. -معافیت‌های مالیاتی کارفرمایی جهت جذب هرچه بیشتر قشر کارگر.</p>	<p>بیکاری مرد و زن در خانواده‌ها، یکی از مهم‌ترین عوامل درگیری، عدم سازش و خشونت خانگی است، چرا که در صورت بیکاری زوجین، به خصوص مردان در زندگی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی دو چندان شده است و خانواده‌ها از پس مخارج هنگفت زندگی برنمی‌آیند و در نهایت مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری، خشونت بین زوجین و اعضای خانواده را به دنبال خواهد داشت.</p>	<p>بیکاری</p>		
<p>-دسترسی متوازن خانواده‌ها به تسهیلات بانکی. -حمایت بیشتر نهادهای حمایتی از خانواده‌های بی بضاعت. -راه اندازی مراکز تولیدی و کارگاهی تحت مدیریت مراکز و نهادهای حمایتی به جهت حمایت از اقشار کم درآمد و آسیب پذیر. -حذف و یا کاهش شهریه های مختلف تحصیلی، دولتی و.... خانواده‌های کم بضاعت. -ارائه خدمات رایگان بهداشتی، درمانی و روانی به خانواده‌های بی بضاعت با حمایت مستقیم دولت. -تمهید فعالیت‌های علمی، ورزشی، تفریحی و ... دولت با هزینه‌های پائین ویژه خانواده‌های کم بضاعت.</p>	<p>فقر ناشی از مشکلات معیشتی و اقتصادی سبب آسیب‌های جدی در زمینه بروز خشونت در خانواده می شود که خود عامل مهمی در زمینه طلاق است و باید به خانواده‌ها کمک کرد تا وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند. زمانی که یک شخص، متأثر از مشکلات مالی نسبت به دیگران و دنیای اطراف خود خشمگین می‌شود، در واقع، توانایی مقابله با مشکلات خود را ندارد و دیگران را مسؤول آن می‌داند. چنانچه، مسؤولیت‌پذیری میان افراد افزایش پیدا کند، آنگاه آن‌ها تلاش خواهند کرد درآمد خود را بهتر مدیریت کنند که همین امر منجر به کاهش مشکلات مالی این افراد نیز می‌شود. از سوی دیگر، زمانی که فرد خود را مسؤول کسب درآمد بداند، آنگاه برای مسائل مالی و حتی انتخاب شغل خود بهتر تصمیم می‌گیرد که همین امر، می‌تواند مشکلات مالی او را کاهش دهد و به تبع، خشونت و افسردگی ناشی از کمبود پول را در او به حداقل برساند.</p>	<p>فقر</p>	<p>اجتماعی</p>	<p>خشونت خانگی</p>

<p>آموزش عمومی پیشگیری از اعتیاد. -حمایت از معنادان جهت ترک اعتیاد در مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت. -حمایت از خانواده‌های دارای سرپرست معناد.</p>	<p>الکل و مواد مخدر می‌تواند افراد را خشن نماید. گاهی اوقات، تمایل افراد به کسب قدرت شخصی، آن‌ها را به قدرت پوشالی مواد مخدر و توهم‌زا می‌کشانند. تحقیقات جاری نشان می‌دهند که مرتکبین سوءرفتار، ممکن است از شخصی به شخص دیگر در جنبه‌های مهمی تفاوت داشته باشند؛ از جمله الگوی اعتیاد آنها، گستره‌ی خشونت غیرخانوادگی و نیز تعادل شخصیتی آن‌ها.</p>	<p>اعتیاد</p>		
<p>-ارائه، آموزش‌های رایگان به خانواده‌های دارای ناسازگاری زوجین. -ارائه آموزش‌های کنترل خشم و مدیریت هیجان. -گسترش دامنه فعالیت مراکز مشاوره کلانتری‌ها برای خانواده‌ها</p>	<p>وجود زن و شوهر در این خانواده‌ها بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای به همدیگر و عدم اعتماد به هم از دلایل تأثیرگذاری هستند که منجر به پدیده‌ای جدید به نام طلاق عاطفی شده‌اند. به عبارت دیگر در بسیاری از موارد، به دلیل موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و قانونی خاص طلاق آشکار نمی‌شود. در این نوع طلاق زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که سایر ارتباط‌های بین آنها یا کاملاً قطع شده است و یا بدون میل و رضایت است. زوجین مبتلا ممکن است سال‌ها در زیر یک سقف با حداقل ارتباط (حتی ارتباط کلامی) بهترین ایام عمر خود را تلف کنند و این پیامد می‌تواند در افزایش خشونت‌های خانوادگی تأثیرگذار باشد و فرزندان و والدین را درگیر نماید.</p>	<p>طلاق عاطفی</p>	<p>اجتماعی</p>	<p>خشونت خانگی</p>
<p>-مقابله و پیشگیری از حاشیه‌نشینی خانواده‌ها. -ارائه امکانات سکونتی به بی‌خانمان‌ها.</p>	<p>اغلب افرادی که ساکن حاشیه شهرها یا آلودکن‌نشین‌ها هستند، به امید بهبود شرایط زندگی و بقا از روستا و شهرهای دیگر به حاشیه شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، ابتدا آلودگی برای خود تدارک می‌بینند و این آلودگی‌ها به تدریج زمان به حاشیه‌های یک شهر بدل می‌شوند. دلیل عمده این امر فقر است، البته در مواردی هم جنگ، بلایای طبیعی و مشکلات اقلیمی دخیل بوده‌اند. این افراد با مهاجرت به حاشیه شهرها، با فقدان تخصص‌های مورد نیاز در شهر و عملاً ناکارآمدی مواجه می‌شوند و به ناچار در بیشتر موارد کارگر روزمزدی می‌شوند که نیاز به سرمایه اولیه ندارد. اساساً خشونت علیه زن حاشیه‌نشین، خشونت</p>	<p>حاشیه نشینی</p>		

	<p>نهفته است. چرا؟ چون این زن در قیاس با زنی که در مرکز شهر یا بالای شهر در رفاه زندگی می‌کند، هیچ امتیازی ندارد، اگر دسترسی آن زنان مرکز و بالانشین را به امکانات بهداشتی و رفاهی صد بگیریم، به دسترسی زن حاشیه‌نشین حتی عدد یک هم نمی‌توانیم بدهیم.</p>	حاشیه‌نشینی		
<p>-تقویت امکانات رفاهی، اجتماعی شهرها و روستاها به جهت پیشگیری از مهاجرت -سخت کردن قوانین مهاجرت</p>	<p>در صورتی که خانواده‌ای مهاجرت نماید و در شهر یا روستای جدید سکونت پیدا نماید، به دلیل اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی و... ثبات و تعادل خانواده‌ها به هم می‌خورد و مشکلات درون خانواده‌ای ایجاد خواهد شد که از آن جمله می‌توانیم به خشونت‌های درون خانواده اشاره نماییم.</p>	مهاجرت		
<p>-استفاده از رسانه‌های گروهی مؤثر و مفید. -تقویت سواد رسانه‌های شهروندان -تقویت برنامه‌های صدا و سیما از طریق از بین بردن محتواهای بد آموز و آموزش ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی.</p>	<p>مشاهده تصاویر خشونت آمیز، سبب بالا رفتن فشار خون، ضربان قلب و سریع‌تر شدن تنفس می‌شود. برخی بر این عقیده‌اند که این عکس‌العمل غیر واقعی، زمینه را فراهم می‌سازد تا فرد خشونت را در دنیای واقعی به کار گیرد. کما اینکه اکثر شب‌که‌های رسانه‌های ماهواره‌ای ترویج دهنده خشونت خانگی هستند و لذا دسترسی به ماهواره و تماشای فیلم‌های خارجی می‌تواند نقش به‌سزایی در آموزش غیر مستقیم خشونت خانگی داشته باشد.</p>	رسانه‌ها	فرهنگی	خشونت خانگی
<p>-تغییر روش‌های ارائه مبانی دینی. -تلاش در جهت افزایش جذابیت دین و دینداری. -برگزاری دوره‌های آموزشی جذاب دینی و اعتقادی به خانواده‌ها.</p>	<p>از آنجائی که دین مبین اسلام در آموزه‌های ارزشمند خود به کنترل خشونت پرداخته است، ولی بعضی از خانوارها به دلیل کم‌توجهی به دین و مسائل اعتقادی و مکتبی از این توصیه‌ها فاصله گرفته‌اند و حقوق متقابل مرد و زن را رعایت نمی‌کنند تا بدانجا که در منزل مسکونی، خشونت را بر هم‌سران خود تحمیل می‌نمایند.</p>	ضعف دینداری		
<p>-تلاش در جهت محو بی‌سوادی. -افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری.</p>	<p>تحصیلات یکی از عوامل مهم در اداره زندگی و تربیت فرزندان می‌باشد. تحصیلات پائین یا بی سوادی زوجین و به ویژه مرد در خانواده تأثیر به‌سزایی در روابط فی‌مابین خواهد</p>	تحصیلات		

<p>-تقویت فرهنگ زناشویی در بین زوجین.</p>	<p>داشت. معمولاً تحصیلات کم در عدم درک طرف مقابل، مشکلات فرهنگی خانواده و درگیری‌ها و به ویژه خشونت خانگی تأثیر دارد.</p>			
<p>-آگاه‌سازی زنان و کودکان از قوانین خانواده. -آگاه‌سازی زنان و فرزندان از مراکز حمایتی خانواده. -ارائه برنامه‌های فرهنگی مفید، مؤثر و سازنده به خانواده‌ها، در جهت اطلاع از حقوق شخصی زنان و کودکان از طریق رسانه‌ها. -تولیدات فرهنگی حقیقی مانند کتاب و.. و مجازی مانند پلتفرم‌ها و پیام‌سان‌ها در جهت ارائه آگاهی و پشتیبانی حقوقی رایگان به خانواده‌ها به ویژه زنان و کودکان.</p>	<p>از آنجائی که تحصیلات تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها بالا نمی‌باشد، به خصوص زنان، مدارک بالای تحصیلی ندارند و حتی آنانی که تحصیلات حداقلی دارند، نسبت به قوانین و حقوق خانواده آگاهی و اطلاعات مناسبی ندارند و قدرت مطالبه‌گری پائینی دارند. بنابراین، می‌توان گفت یکی از دلایل مهم و تأثیرگذار در امر خشونت خانگی خانواده‌ها نآشنا بودن آنان به قوانین می‌باشد که در پی آن، اطلاعی از دفاع در برابر حقوق خود ندارند و لذا مورد خشونت‌های خانگی قرار می‌گیرند.</p>	<p>نا آشنائی نسبت به قوانین</p>	<p>فرهنگی</p>	<p>خشونت خانگی</p>
<p>-گسترش اورژانس اجتماعی در حمایت از زنان و کودکان. -ارائه آموزش‌های لازم در جهت برخورداری تساوی حقوق زن و مرد در مراکز بهداشت و هنگام آغاز زندگی.</p>	<p>از موارد مهم در بعد فرهنگی می‌توان به مسأله قومیت اشاره نمود چرا که بعضی از اقوام به زن به چشم ابزار و وسیله‌ای در خدمت مردان نگاه می‌کنند و نهایت بهره‌کشی را از زنان دارند. به نظر می‌رسد در بعضی از اقوام، این مسأله ثابت شده است و زنان به خاطر جایگاه خود در خانواده این اقوام، قدرتی برای دفاع از خود نداشته‌اند و بیشتر تابع همسران خود و در واقع مردان می‌باشند و لذا خشونت خانگی بر علیه زنان در این اقوام امری تعریف شده و مشخص بوده است.</p>	<p>قومیت</p>		
<p>-الگوگیری از زندگی اهل بیت در اکرام و تکریم زنان و فرزندان. -آموزش تعالیم اسلامی به ویژه آیات دین مبین اسلام در جهت بزرگداشت مقام زن و نحوه برخورد با زن در زندگی. معرفی کتاب‌های روانشناسی مفید برای زندگی به جهت اصلاح باورهای غلط در زندگی زناشویی.</p>	<p>آداب و رسوم، امری است که از دیر باز در خانواده‌های ایرانی بوده است و تا به حال ادامه دارد. طبق رسوم دیرینه زنها در زندگی مشترک حق اظهار نظر نداشته و در تملک مرد خود می‌باشند و حق هیچ اعتراضی را ندارند و لذا اعتراض و پیگیری حق و حقوق در این خانواده‌ها برای زنان مجاز نبوده و این مسئله راه را برای مردان باز گذاشته تا بتوانند با زنان هرگونه که می‌خواهند رفتار نمایند. طبیعی است که در هنگام بروز مشکلات و ناتوانی‌های مردان در</p>	<p>آداب و رسوم</p>		

	<p>اداره زندگی و یا به عناوین مختلف، آداب و رسوم غلط، این راه را برای خشونت خانگی بازگذاشته است.</p>			
--	--	--	--	--

نتایج کدگذاری، نشان داد عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی شامل عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی از قبیل درآمد مردان، درآمد زنان، عدم اشتغال زنان، اسراف و تبذیر، مالکیت منزل مسکونی، مصرف گرائی، حاشیه نشینی، مهاجرت، طلاق عاطفی، اعتیاد، فقر، بیکاری، رسانه‌ها، قومیت، آداب و رسوم، تحصیلات، ضعف دینداری و ناآشنائی نسبت به قوانین بود. مؤلفه‌ها ۱۸ مورد و شاخص‌ها نیز ۱۷۴ مورد می باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی در شهر بیرجند بود. داده‌های این پژوهش با استفاده از انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نخبگان علمی و عملیاتی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی و همسران آسیب دیده خشونت خانگی به دست آمد.

طبق کدگذاری انجام شده، عوامل مؤثر بر خشونت خانگی به این شرح، شناسائی گردیدند؛ فقدان درآمد مردان، ناکافی بودن درآمد مردان، نبود درآمد زنان، عدم تمایل زنان به داشتن درآمد، ناکافی بودن درآمد زنان سرپرست خانوار، ناتوان بودن زنان برای کارکردن، ریخت و پاش در خریدهای غیرضروری زندگی، اسراف در خوراک، پوشاک اعضای خانواده، اسراف در استفاده از وسایل سرمایه‌ای زندگی، نداشتن مسکن ملکی مستقل، عدم توانائی پرداخت اجاره بها، اسیر تجملات زندگی بودن، چشم و هم چشمی با دیگران، خریدهای غیر مفید، مصرف بیش از اندازه خوراک و پوشاک، نبود شغل مناسب برای مردان، سختی شغلی مشاغل در دسترس، دریافتی کم، هزینه‌های بالای زندگی، کاهش درآمد برابر هزینه‌ها، فشارهای شدید مالی، آلوده بودن به مواد مخدر، وجود دوستان ناباب، کمبود اراده ترک اعتیاد، فراوانی مواد مخدر در دسترس، عدم موفقیت در ترک اعتیاد، نبود درک متقابل در زندگی زناشویی، عدم تفاهم زوجین، کمبود محبت و عاطفه بین اعضای خانواده، نبود امنیت در سکونت‌گاه‌ها، بی‌امکاناتی محل زندگی، ناآشنا بودن به فرهنگ شهر جدید محل سکونت، در دسترس بودن رسانه‌های بیگانه و معاند، اسیر فضای مجازی بودن، بی‌سوادی، فقر فرهنگی، تحصیلات پائین، ضعف اعتقادات، ضعف مطالبه‌گری قضائی، ناآگاهی

نسبت به قوانین و حقوق شخصی و خانوادگی، تعصبات قومی، باورهای غلط و مراسمات نادرست و باطل.

قابل ذکر است که نتایج حاصل شده در این بخش تحقیق با نتایج تحقیقات یاری نسب و همکاران (۱۴۰۱)، رحیمی و شاکری (۱۳۹۷)، زارع زاده و همکاران (۱۳۹۶)، جانسون و استیلیانو (۲۰۲۱)، هاگو و همکاران (۲۰۲۲) و پترسون و اک (۲۰۱۸) هم‌سو و هم‌جهت می‌باشد

طبق مصاحبه‌هایی که انجام شد، و بر اساس دریافت مشروح نظرات نخبگان و هم‌سران آسیب دیده از خشونت خانگی و باتوجه به کد گذاری مفاهیم، سه بعد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان ابعاد مؤثر بر افزایش خشونت خانگی، شناسائی گردیدند، بنابراین، نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات رحیمی و شاکری (۱۳۹۷) و زارع زاده و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سو و هم‌جهت می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده، درآمد مردان یکی از عوامل اقتصادی مهم و اثرگذار در خشونت خانگی می‌باشد، به این صورت که درآمد کم مردان باعث فشارهای اقتصادی در زندگی می‌شود و در نهایت منجر به ناسازگاری زوجین می‌شود و به دلیل عدم تسلط مردان به زندگی، خشونت خانگی در محیط خانه به همراه خواهد داشت.

در بعضی از خانوارها، به دلیل عدم توانائی جسمانی، روانی و عدم تمایل مردان، زنان به سرکار می‌روند و نان‌آور خانه می‌شوند، در صورتی که ممکن است بعد مدتی زن‌ها خسته شوند و توانائی سرکار رفتن نداشته باشند یا درآمدشان برای اداره زندگی ناکافی باشد به خصوص در خانواده‌هایی که مرد معتاد دارند، درگیری، دعوا، نزاع و خشونت خانگی بالا خواهد رفت.

بعضی از مردان به دلیل عدم توانائی در اداره زندگی نیاز به کمک خرج دارند که زنان، در این خصوص همکاری نمی‌کنند و توان کار کردن ندارند و این مسائل، مشکلات و درگیری به همراه خواهد داشت و در نهایت خشونت خانگی را افزایش خواهد داد.

اسراف و تبذیر در زندگی مشترک از طرف یکی از زوجین و با مخالفت زوج دیگر از علت‌های خشونت و درگیری در خانواده است که در صورت عدم رعایت یکی از زوجین در امر اسراف و تبذیر ممکن است به مذاق دیگری خوش نیاید و درگیری و ناسازگاری زوجین بر اساس این عامل شروع شود و ادامه یابد، کما اینکه مواردی بوده که خشونت‌ها به علت همین امر بوده است.

از آنجائی که تورم در سال‌های اخیر رشد بالائی داشته است، خانواده‌هایی که دارای منزل مسکونی برای خود نبودند و مستأجر بوده‌اند، از این ناحیه ضربه خوردند و فشارهای مضاعفی را

تحمل نموده‌اند. خانواده‌هایی که فاقد منزل مسکونی در این شهر بوده‌اند، به علت افزایش اجاره بها توان اجاره را ندارند و در صورت فشارهای وارده با زوج خود دچار مشکلات می‌شوند و درگیری‌ها ادامه پیدا می‌کند و در نهایت به خشونت منتهی می‌شود.

در سالیان اخیر، میزان مصرف‌گرایی و اسراف و تجملات در جامعه رشد بی‌رویه داشته است و حاکم شدن این فرهنگ، حیات سالم بسیاری از خانواده‌ها را در معرض خطر قرار داده است. انسان‌ها زیبایی را دوست دارند، به زیبایی خود و محیط زندگی و کار اهمیت می‌دهند، اما این توجه زمانی که از حد تعادل خارج شود و وضعیتی و سواس و بیمارگونه پیدا کند، به عاملی خطرناک برای آرامش روحی و اجتماعی تبدیل می‌شود، بنابراین به نظر می‌رسد مصرف‌گرایی یکی از زوجین یا هر دو آنها عاملی برای خشونت خانگی و نزاع بین زوجین می‌باشد.

بیکاری مرد و زن در خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل درگیری، عدم سازش و خشونت خانگی است. چرا که در صورت بیکاری زوجین به خصوص مردان در زندگی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی دو چندان می‌شود و خانواده‌ها از پس مخارج هنگفت زندگی بر نمی‌آیند و در نهایت مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری، خشونت بین زوجین و اعضای خانواده را به دنبال خواهد داشت.

فقر ناشی از مشکلات معیشتی و اقتصادی سبب آسیب‌های جدی در زمینه بروز خشونت در خانواده می‌شود که خود عامل مهمی در زمینه طلاق است و باید به خانواده‌ها کمک کرد، تا وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند. زمانی که یک شخص، متأثر از مشکلات مالی نسبت به دیگران و دنیای اطراف خود خشمگین می‌شود در واقع، توانایی مقابله با مشکلات خود را ندارد و دیگران را مسؤول آن می‌داند. چنانچه مسؤولیت‌پذیری میان افراد افزایش پیدا کند، آنگاه آن‌ها تلاش خواهند کرد درآمد خود را بهتر مدیریت کنند که همین امر منجر به کاهش مشکلات مالی این افراد نیز می‌شود. از سوی دیگر، زمانی که فرد خود را مسؤول کسب درآمد بداند، آنگاه برای مسائل مالی و حتی انتخاب شغل خود بهتر تصمیم می‌گیرد که همین امر، می‌تواند مشکلات مالی او را کاهش دهد و به تبع، خشونت و افسردگی ناشی از کمبود پول را در او به حداقل برساند.

الکل و مواد مخدر می‌تواند افراد را خشن نماید. گاهی اوقات، تمایل افراد به کسب قدرت شخصی، آنها را به قدرت پوشالی مواد مخدر و توهم‌زا می‌کشاند. تحقیقات جاری نشان می‌دهند که مرتکبین سوءرفتار ممکن است از شخصی به شخص دیگر در جنبه‌های مهمی تفاوت داشته باشند؛ از جمله الگوی اعتیاد آنها، گستره خشونت غیرخانوادگی و نیز تعادل شخصیتی آن‌ها.

وجود زن و شوهر در این خانواده‌ها بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای به همدیگر و عدم اعتماد به هم از دلایل تأثیرگذاری هستند که منجر به پدیده‌ای جدید به نام طلاق عاطفی شده‌اند... به عبارت دیگر در بسیاری از موارد به دلیل موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و قانونی خاص طلاق آشکار نمی‌شود. در این نوع طلاق، زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که سایر ارتباط‌های بین آن‌ها یا کاملاً قطع می‌شود و یا بدون میل و رضایت است. زوجین مبتلا ممکن است سال‌ها در زیر یک سقف با حداقل ارتباط (حتی ارتباط کلامی) بهترین ایام عمر خود را تلف کنند و این پیامد می‌تواند در افزایش خشونت‌های خانوادگی تأثیرگذار باشد و فرزندان و والدین را درگیر نماید.

اغلب افرادی که ساکن حاشیه شهرها یا آلودگی‌ناشین‌ها هستند، به امید بهبود شرایط زندگی و بقا از روستا و شهرهای دیگر به حاشیه شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، ابتدا آلودگی برای خود تدارک می‌بینند و این آلودگی‌ها به مرور زمان به حاشیه‌های یک شهر بدل می‌شوند. دلیل عمده این امر، فقر است، البته در مواردی هم جنگ، بلایای طبیعی و مشکلات اقلیمی دخیل بوده‌اند. این افراد با مهاجرت به حاشیه شهرها، با فقدان تخصص‌های مورد نیاز در شهر و عملاً ناکارآمدی مواجه می‌شوند و به ناچار در بیشتر موارد، کارگر روزمزدی می‌شوند که نیاز به سرمایه اولیه ندارد. اساساً خشونت علیه زن حاشیه‌ناشین، خشونت نهفته است. چرا؟ چون این زن در قیاس با زنی که در مرکز شهر یا بالای شهر در رفاه زندگی می‌کند، هیچ امتیازی ندارد، اگر دسترسی آن زنان مرکز و بالانشین را به امکانات بهداشتی و رفاهی صد بگیریم، به دسترسی زن حاشیه‌ناشین حتی عدد یک هم نمی‌توانیم بدهیم.

در صورتی که خانواده‌ای مهاجرت نماید و در شهر یا روستای جدید سکونت پیدا نماید به دلیل اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی و... ثبات و تعادل خانواده‌ها بهم می‌خورد و مشکلات درون خانواده‌ای ایجاد خواهد شد که از آن جمله می‌توانیم به خشونت‌های درون خانواده اشاره نماییم.

مشاهده تصاویر خشونت آمیز سبب بالا رفتن فشار خون، ضربان قلب و سریع‌تر شدن تنفس می‌شود. برخی بر این عقیده‌اند که این عکس‌العمل غیر واقعی، زمینه را فراهم می‌سازد تا فرد خشونت را در دنیای واقعی به کار گیرد. کما اینکه اکثر شبکه‌های رسانه‌های ماهواره‌ای ترویج دهنده خشونت خانگی هستند و لذا دسترسی به ماهواره و تماشای فیلم‌های خارجی می‌تواند نقش به‌سزایی در آموزش غیر مستقیم خشونت خانگی داشته باشد.

از آنجائی که دین مبین اسلام در آموزه‌های ارزشمند خود به کنترل خشونت پرداخته است ولی بعضی از خانوارها به دلیل کم توجهی به دین و مسائل اعتقادی و مکتبی از این توصیه‌ها

فاصله می‌گیرند و حقوق متقابل مرد و زن را رعایت نمی‌کنند، تا آنجا که در منزل مسکونی، خشونت را بر همسران خود تحمیل می‌نمایند.

تحصیلات، یکی از عوامل مهم در اداره زندگی و تربیت فرزندان می‌باشد. تحصیلات پائین یا بی‌سوادی زوجین و به ویژه مرد در خانواده تأثیر به‌سزائی در روابط بین آن‌ها خواهد داشت. معمولاً تحصیلات کم در عدم درک طرف مقابل، مشکلات فرهنگی خانواده و درگیری‌ها و به ویژه خشونت خانگی تأثیر دارد.

از آنجائی که تحصیلات تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها بالا نمی‌باشد، به خصوص زنان مدارک بالای تحصیلی ندارند و حتی آنانی که تحصیلات حداقلی دارند، نسبت به قوانین و حقوق خانواده آگاهی و اطلاعات مناسبی ندارند و قدرت مطالبه‌گری پائینی دارند، بنابراین، می‌توان گفت یکی از دلایل مهم و تأثیرگذار در امر خشونت خانگی خانواده‌ها و ناآشنابودن آنان به قوانین می‌باشد که در پی آن اطلاعی از دفاع در برابر حقوق خود ندارند و مورد خشونت‌های خانگی قرار می‌گیرند.

از موارد مهم در بعد فرهنگی می‌توان به مسأله قومیت اشاره نمود چرا که بعضی از اقوام به زن به چشم ابزار و وسیله‌ای در خدمت مردان نگاه می‌کنند و نهایت بهره‌کشی را از زنان دارند، به نظر می‌رسد در بعضی از اقوام این مسأله ثابت شده است و زنان به خاطر جایگاه خود در خانواده این اقوام، قدرتی برای دفاع از خود نداشته‌اند و بیشتر تابع همسران خود و در واقع مردان می‌باشند و لذا خشونت خانگی بر علیه زنان در این اقوام، امری تعریف شده و مشخص بوده است. آداب و رسوم، امری است که از دیر باز در خانواده‌های ایرانی بوده است و تا به حال ادامه دارد.

طبق رسوم دیرینه، زن‌ها در زندگی مشترک حق اظهار نظر نداشته‌اند و در تملک مرد خود می‌باشند و حق هیچ اعتراضی را ندارند و بنابراین، اعتراض و پیگیری حق و حقوق در این خانواده‌ها برای زنان مجاز نبوده است و این مسأله راه را برای مردان باز گذاشته است تا بتوانند با زنان هرگونه که می‌خواهند رفتار نمایند. طبیعی است که در هنگام بروز مشکلات و ناتوانی‌های مردان در اداره زندگی و یا به‌عنوان مختلف، آداب و رسوم غلط، این راه را برای خشونت خانگی باز گذاشته است.

بر اساس نظریه ناسازگاری پایگاهی، اگر شوهران مهارت‌ها و منابع کمتری نسبت به همسران‌شان داشته باشند، به طوری که همسران‌شان پایگاه انتسابی آنها را تهدید کنند، از خشونت همچون ابزاری برای حفظ پایگاه انتسابی خود استفاده می‌کنند. خشونت شوهران بر ضد زنان در

خانواده در همه طبقات اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و این هنگامی است که تفاوتی پایگاهی از نظر آموزش، درآمد و شغل بین زوجین وجود داشته باشد و شوهران از نظر تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی در سطح پایین‌تری از همسران‌شان قرارگیرند. با عنایت به کدگذاری باز از مصاحبه‌های صورت گرفته، مؤلفه‌های ابعاد مؤثر بر خشونت خانگی شامل درآمد مردان، درآمد زنان، عدم اشتغال زنان، اسراف و تبذیر، مالکیت منزل مسکونی، مصرف‌گرایی، حاشیه‌زینی، مهاجرت، طلاق عاطفی، اعتیاد، فقر، بیکاری، رسانه‌ها، قومیت، آداب و رسوم، تحصیلات، ضعف دینداری و ناآشنائی نسبت به قوانین بود.

نظریه یادگیری اجتماعی بیان می‌کند نه انگیزه‌های فطری معطوف به خشونت و نه سائق‌های تحریک شده ناشی از ناکامی، ریشه‌پرخاشگری انسان است؛ بلکه انسان‌ها به دلایل زیر به یکدیگر، پرخاش می‌کنند: از تجربیات گذشته، واکنش‌های پرخاشگری را یاد گرفته‌اند؛ برای انجام اعمال پرخاشگرانه انتظار پاداش گوناگون داشته‌اند یا به دست می‌آورند؛ شرایط اجتماعی خاصی آنها را به سمت پرخاشگری سوق می‌دهد. بارون^۱ معتقد است که بروز رفتار پرخاشگرانه در یک موقعیت خاص به عوامل مختلفی نظیر تجربه‌های گذشته، پاداش‌هایی که در زمان گذشته و یا حال نصیب او می‌شود و ارزش‌ها و نگرش‌هایی که اندیشه‌ی مربوط به مناسب بودن و اثرات بالقوه چنین رفتاری را در این شخص شکل می‌دهند، بستگی دارد. از دیگر عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌توان به عوامل اجتماعی (ناکامی، تهییج)، عوامل فرهنگی (فرهنگ افتخار)، عوامل شخصی (نوع A، خود شیفتگی، احساس جویی و تفاوت‌های جنسی)، عوامل موقعیتی (اثرات دمای بالا و مصرف الکل) اشاره نمود.

بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده، مواردی برای ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زیر پیشنهاد می‌گردد.

اقتصادی: حمایت دولت از بازارهای صنایع دستی و رونق این مشاغل به واسطه بکارگیری زنان، افزایش حمایت‌های دولتی از اقشار آسیب‌پذیر در جهت تقویت یارانه‌های پرداختی. استفاده از ظرفیت رسانه‌های دیداری و شنیداری (تلویزیون، فضای مجازی، کتاب و...) در جهت پیشگیری از مصرف‌گرایی و اسراف. برنامه‌ریزی جهت توسعه مسکن ارزان و مناسب با اولویت خانواده‌های فاقد مسکن شخصی با طرح‌هایی مانند اجاره به شرط تملیک. همکاری نهادهای حمایتی (کمیته

^۱.Baron

امداد، بهزیستی و...) با بنیاد مسکن در جهت ساخت واحدهای مسکونی برای خانواده‌های بدون مسکن. آموزش خانواده‌ها با استفاده از ظرفیت مدارس در جهت نکوهش تجمل‌گرایی.

فرهنگی: اصلاح آداب و رسوم نادرست با استفاده از رسانه‌های جمعی و استانی. ترویج آزادی انتخاب همسر دختران در قومیت‌های مختلف با استفاده از آیات و روایات. پیشگیری از تعصبات قومیتی نادرست درازدواج‌ها با استفاده از روش‌های علمی و کارآمد. آموزش حقوق خانه و خانواده به اعضای خانواده‌ها. ایجاد مشوق‌ها و اهرم‌های انگیزشی قوی برای آموزش افراد بی‌سواد. استفاده از ظرفیت مساجد و مبلغین در جهت جهاد فرهنگی برای خانواده‌های آسیب‌دیده فرهنگی. آموزش سواد رسانه‌ای به اعضای خانواده‌ها.

اجتماعی: بکارگیری معتادان بهبود یافته در مشاغل مختلف و تلاش برای حل مشکل اشتغال آنان. به جهت اینکه کمبود امکانات لازم برای ارضای نیازهای طبیعی، روانی و اجتماعی موجب گرایش مجدد آنان به کسب لذت و تفنن از طریق مواد و عضویت در گروه‌های ناسالم می‌شود، بنابراین، مشغولیت آنان یکی از بهترین راه‌های جلوگیری از گرایش مجدد به اعتیاد و سپس جرائم به ویژه سرقت خواهد بود. حمایت‌های بیمه‌ای دولت از معتادان به جهت تشویق در ترک اعتیاد و خانواده‌هایی که دارای سرپرست معتاد می‌باشند. استفاده از ظرفیت خیرین شهر بیرجند از افراد بیکار در جهت کارآفرینی و ایجاد شغل. ایجاد مراکز ترک اعتیاد مجهز و دولتی برای خانواده‌های بی‌بضاعت و دارای عضو معتاد. ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناسی رایگان به خانواده‌های آسیب‌دیده از اعتیاد. اعمال قوانین بازدارنده در جهت مبارزه با استعمال، خرید، فروش و نگهداری مواد مخدر. آموزش همسررداری و فرزندداری صحیح و مناسب به زوجین قبل از ازدواج. تهیه فیلم‌های مختلف سینمایی، سریال‌ها، تیزرهای آموزشی و... با هدف افزایش اطلاعات در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی توسط فرماندهی انتظامی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما.

منابع

۱. برخوردار مهنی، سیما (۱۳۸۹) «حمایت از زنان بزه دیده خشونت خانگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. بهزیستی و معاونت فرهنگی اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی (۱۴۰۱) مصاحبه با مسئولین سازمان‌ها.

۳. پورنقاش تهرانی، سعید و زهرا قلندر زاده (۱۳۹۷) «بررسی ارتباط بین خشونت‌های خانوادگی و تبعات روانی آن با اختلال شخصیت مرزی و سوء مصرف الکل»، علوم روان‌شناختی، ۱۷ (۶۷): ۳۴۴-۳۳۷.
۴. ترکاشوند، فاطمه؛ رضاییان، محسن؛ شیخ فتح الهی، محمود؛ مهراییان، میلاد؛ بیدکی رضا و به‌شید گرو سی (۱۳۹۲) «بررسی فراوانی انواع خشونت خانگی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی، درمانی شهرستان رفسنجان در سال ۱۳۹۱»، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۲ (۹): ۷۰۸-۶۹۵.
۵. رحیمی، پوریا و رویا شاکری (۱۳۹۶) «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با نزاع-درگیری فردی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر سنندج)»، دانش انتظامی کردستان، ۹ (۳۵): ۱۰۱-۱۳۲.
۶. رمضان‌خانی، علی؛ الحانی، فاطمه؛ ودادهیر، ابوعلی و فاطمه محمدخواه (۱۴۰۰). «پیامدهای خشونت نوجوانان: مطالعه‌ی کیفی تحلیل محتوا در شهر رودسر»، اپیدمیولوژی ایران، ۱۷ (۱): ۶۸-۷۶.
۷. زارع‌زاده، اردشیر و توکل آقایی‌هیر (۱۳۹۶) «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با نزاع-درگیری فردی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز)»، دانش انتظامی آذربایجان شرقی، ۷ (۲۶): ۱۱۵-۱۶۲.
۸. شوکتیان، مریم؛ شوکتیان، رسول و ملکه وفادوست (۱۴۰۱) «آسیب اجتماعی خشونت خانگی؛ نظریه‌ها و عوامل مؤثر بر آن»، اولین کنفرانس بین‌المللی سلامت، علوم تربیتی و روانشناسی، ترکیه: ازمیر.
۹. عبدالله‌زاده مینایی، ماه گل (۱۳۹۰) «تأثیر سرمایه‌نمادین خانواده بر خشونت خانگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰. فیض الهی، علی (۱۴۰۱) «مطالعه‌ی جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: شهر ایلام)، زن در توسعه و سیاست، ۷۸ (۲۰): ۵۳۱-۵۵۶.
۱۱. کاظمی، زهرا و قاسم قاسمی (۱۴۰۲) «عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه موردی شهر ستان کرج)، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۱ (۲۱): ۱۳۱-۱۶۳.
۱۲. مرادی، آرزو و شایسته چارداولی (۱۴۰۱) «پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس ابعاد طرحواره‌های جنسی در زنان خانه‌دار»، مطالعات اسلامی ایرانی خانواده، ۱ (۳): ۹۶-۱۰۵.

۱۳. منیر، محمد داوود؛ بادغیسی، و سیمه؛ صالحی عبدالکریمی، کاوه و احمد علی (۱۳۸۸) *خشونت خانوادگی، عوامل و راهکارهای مقابله با آن*، تهران: شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر. ۱۴. یاری نسب، فاطمه و کامروز امینی (۱۴۰۱) «بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی بر

خشونت خانگی در زنان» *مجله پزشکی قانونی ایران*، ۲۷(۴): ۲۴۶-۲۵۳.

15. Bandara, P., Page, A., Senarathna, L., Kidger, J., Feder, G., Gunnell, D., & Knipe, D. (2022) «Domestic violence and self-poisoning in Sri Lanka», **Psychological medicine**, 52(6), 1183-1191.

16. Bayrami, R., & Vafae Najar, A. (2020) «The Factors Contributing to Domestic Violence from the Perspective of Iranian Couples: A Qualitative Study», **Journal of Qualitative Research in Health Sciences**, 9(2), 133-144.

17. Dastjerdehei, R. K., Khosravi, B., Manesh, N. I., Mohammadi, M., Bahabadi, H. S., & Tosanloob, M. P. (2020) «Factors affecting domestic violence: a qualitative study». **Journal of Social Behavior and Community Health**.

18. Ghlaas, E. G. (1995) «Increased risk of miscarriage among women experiencing physical or sexual intimate partner violence during pregnancy in Guatemala City, Guatemala: cross-sectional study», **BMC pregnancy and childbirth**, 11(1), 49.

19. Ghlaz, M. S., Shtravs, S. (1979) «Factors associated with intimate partner violence against married women in Nepal». **Journal of interpersonal violence**, 30(7), 1226-1246.

20. Haque, M. A., Choudhury, N., Ahmed, S. T., Farzana, F. D., Ali, M., Rahman, S. S., & Ahmed, T. (2022) «Factors associated with domestic violence in rural Bangladesh». **Journal of interpersonal violence**, 37(3-4), 1248-1269.

21. Harris, J. (2020) **Violence and responsibility**. Routledge.

22. Johnson, L., Stylianou, A. M. (2021) «Coordinated community responses to domestic violence: A systematic review of the literature. Trauma», **Violence, & Abuse**, 23(2), 506-522.

23. Pettersson, T., & Eck, K. (2018) «Organized violence, 1989–2017», **Journal of Peace Research**, 55(4), 535-547.

24. Lanchimba C, Díaz-Sánchez JP and Velasco F (2023) «Exploring factors influencing domestic violence: a comprehensive study on intrafamily dynamics. Front». **Psychiatry** 14:1243558.

doi: 10.3389/fpsyt.2023.1243558

25. Rahnavardi, M., Shayan, A., Babaei, M., Khalesi, Z. B., Havasian, M. R., & Ahmadi, M. (2017) «Investigating types and causes of domestic violence against women and identifying strategies to deal with it from the perspective of victims». **Research Journal of Pharmacy and Technology**, 10(10), 3637-3642.

26. Torres, A., Navarro, P., García-Esteve, L., Tarragona, M. J., Ascaso, C., Herreras, Z., & Martín-Santos, R. (2010) «Detecting domestic violence: Spanish external validation of the index of spouse abuse». **Journal of Family Violence**, 25(3), 275-286.

۲۷. عرب‌نژاد، علی، «خشونت خانگی بالاترین آسیب در خراسان جنوبی»، خبرگزاری مهر، بیست و یکم آذر ماه ۱۳۹۷ (کد خبر ۴۴۸۲۹۷۳).

<https://www.mehrnews.com/news/4482973/>

۲۸. مهدی‌زاده، فرزانه، «آمار خشونت خانگی در سال ۱۴۰۰»، پایگاه تحلیلی خبری انتخاب در

<https://www.entekhab.ir/002rd.2>

مصاحبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۱.